

# کاربرد فیلم اتنوگرافیک در پژوهش‌های انسان‌شناسی

نویسنده: دکتر ناصر فکوهی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی



در طول یکصد سال گذشته به ویژه چند دهه‌ی پایانی آن، پیشرفت رسانه‌های ارتباطی آنچنان حیرت‌انگیز بوده است که قابل مقایسه با قرن گذشته نیست. اکنون که چند سالی است هزاره سوم میلادی آغاز شده است، در همین مدت کوتاه، ظهور فن‌آوری‌های جدید، امکانات تازه‌ای برای ثبت و بازنگری واقعیت ایجاد کرده است. انسان‌شناسان از همان روزهای نخستین پیدایی دوربین عکاسی و سپس فیلم‌برداری، برای ثبت دقیق مشاهدات خود از این وسایل بهره گرفته‌اند.

اما هم اکنون، با توجه به ابداعات فراوانی که صورت گرفته است، پرسشی اساسی ذهن انسان‌شناسان را به خود مشغول کرده است و آن اینکه آیا انسان‌شناسی تصویری را باید همچنان در محدوده‌ی فیلم اتنوگرافیک محصور کرد؟ ابزارهای رسانه‌ای جدید همانند تلویزیون‌های بسیار پیشرفته، شبکه اینترنت، دوربین‌های عکاسی و تصویربرداری دیجیتال که جانشین انواع قدیمی با نوارهای سلولوئیدی فیلم شده‌اند و... راه را برای تجربه‌های تازه، مشاهده‌ی دقیق انواع زیست‌های انسانی نه تنها برای انسان‌شناسان بلکه افراد دیگر هم باز کرده است.

اگر تا یکی، دو دهه پیش، تهیه‌ی فیلم اتنوگرافیک به دوره‌ی نسبتاً طولانی آموزش فنی نیاز داشت، امروزه با دوربین‌های ویدئویی دیجیتال در زمانی اندک و به سادگی می‌توان چنین فیلم‌هایی را ساخت. از این رو، می‌توان گفت که چشم اندازه‌های بسیار جدیدی در زمینه‌ی پژوهش‌های انسان‌شناسی گشوده شده است که چه بسا محتوای علمی این رشته را در سال‌های آینده به مقدار زیادی دگرگون کند.

امروزه به تمامی دانشجویان و پژوهشگران انسان‌شناسی توصیه می‌شود که علاوه بر مجهز شدن به وسایل تصویربرداری، از دوربین‌های

عکاسی که با فن آوری دیجیتال، امکان عکس‌برداری به شماره‌ی تقریباً نامحدود و با هزینه‌ی نسبتاً اندک استفاده کنند. در واقع، عکاسی از قدیم‌ترین وسایل ثبت مشاهدات بود که انسان‌شناسان به سرعت از آن بهره گرفتند؛ حتی پیش از دوربین فیلم‌برداری و رایج شدن آن.

بنابراین امروزه هیچ‌گونه پژوهش انسان‌شناسی انجام نمی‌گیرد، مگر اینکه دارای بخش‌های تصویری باشد. در نتیجه، داده‌های اتنوگرافیک هر پژوهشی در قالب بررسی اجزاء تصویری آن معنا می‌شود. البته، این کار بدون شک بر چگونگی توصیف موضوع مورد پژوهش و روایت آن تأثیر خواهد گذاشت و دور از انتظار نیست که نگرستن به موضوع مورد پژوهش از خلال دوربین و ماحصل تصویری آن در شکل عکس یا فیلم و نیز استفاده از آنها به عنوان داده‌های اطلاعاتی، بر مرحله‌ی تفسیر و تحلیل داده‌ها توسط پژوهشگر اثر قاطع برجای گذارد. از این رو، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که کاربرد وسایل عکاسی و فیلم‌برداری در قالب انسان‌شناسی تصویری در آینده‌ی نه چندان دور، بُعد ابزاری خود را پشت سر بگذارد و خود به یک بُعد شناخت‌شناسی مبدل شود.

انسان‌شناسان همواره می‌کوشند که روش‌های پیشین خود را در بوت‌های نقد و آزمون قرار دهند، از این رو، آنها از یکسو مایل‌اند که هر چه بیشتر به موضوع نزدیک شوند و از سوی دیگر تلاش می‌کنند این نزدیکی موجب برهم خوردن مشاهده‌ی دقیق یا خارج شدن موضوع از روال طبیعی و معمول خودش، نشود

استفاده از فیلم و عکس به مثابه روایت پژوهشی مستقل در سال‌های آینده گسترش بیشتری هم خواهد یافت؛ به همین منظور، شاهد همکاری‌هایی میان انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و... سایر علوم انسانی با فیلم‌سازان خواهیم بود. چنین همکاری‌ای، پیوندی جدید و غنی میان موضوع‌های انسان‌شناختی و موضوع‌های هنری به ویژه هنرهای تصویری به وجود خواهد آورد.

تا پایان قرن نوزدهم میلادی، مردم‌نگاری صرفاً به روایت‌های اروپاییان، شامل جهانگردان، بازرگانان، نظامیان، مبلغان مذهبی، سفیران حکومت‌ها و از این قبیل افراد محدود می‌شود. این عده، درباره‌ی مردمی که مشاهده کرده یا شنیده بودند، برای دیگران مطالبی را تعریف می‌کردند؛ یا اینکه به صورت کتاب منتشر می‌ساختند. اما آنها، غالباً داوری‌های مغرضانه و غیرعلمی خود را هم بر روایت‌شان می‌افزودند، در نتیجه، این روایت‌ها هر اندازه هم که از نزدیک و در مدت طولانی تماس با مردمان غیر اروپایی تهیه شده بودند، باز هم نمی‌توانستند چیزی جز



برداشت‌های ذهنی راویان بوده باشند. راویان، آن مردمان را مشاهده و سپس توصیف می‌کردند؛ اما می‌دانیم که مغز انسان به هنگام توصیف واقعیات، در آنها دخل و تصرف می‌کند که حاصل فراموشی، ناچیز شمردن نکات، مبالغه و... است. کامل نبودن اندام‌های حسی ما نیز عامل مهمی در این دخل و تصرف است. بنابراین، از هنگامی که مردم‌شناسی به صورت علم درآمد و دانشمندی پیدا شدند که به عنوان انسان‌شناس نام برده می‌شدند، به جای اتکاء به توصیفات از زبان راویان، تصمیم گرفتند که خود به میان موضوع مورد تحقیق بروند و از نزدیک مشاهداتی انجام دهند. آنها برای مشاهده‌ی علمی به وسایل اندازه‌گیری و وسایل ثبت مشاهدات احتیاج داشتند. در ابتدا طراحی و کشیدن تصویر مردمان یا نقاط دیگر، تنها وسیله ثبت چیزی بود که انسان‌شناسان و مردم‌شناسان مشاهده کرده بودند اما با به بازار آمدن دوربین عکاسی و سپس

فیلم‌برداری، وسیله‌ی مناسب برای ثبت موضوع در اختیار این دانشمندان قرار گرفت و از این پس، استفاده از چنین وسایلی، جزئی ضروری و ابزار حتمی هرانسان‌شناس و مردم‌شناس شد. این ابزارها باعث شدند که مردم‌نگاری به یک علم اثباتی (positivist) مبدل شده و چنین پژوهشهایی از اسناد عینی برخوردار شود.

با این وصف، در ابتدا، محافل علمی انسان‌شناسی از فیلم‌های اتنوگرافیکی که مستندسازان می‌ساختند استقبال نکردند. کمتر کسی از دانشگاهیان آمادگی داشت که این کار را به مثابه شاخه‌ای علمی و دانشگاهی و جزئی اساسی از انسان‌شناسی به حساب آورد. در نهایت آنکه آنها دوربین عکاسی و فیلم‌برداری را ابزاری ساده می‌پنداشتند که در کنار سایر ابزارها می‌تواند به کار گرفته شود.

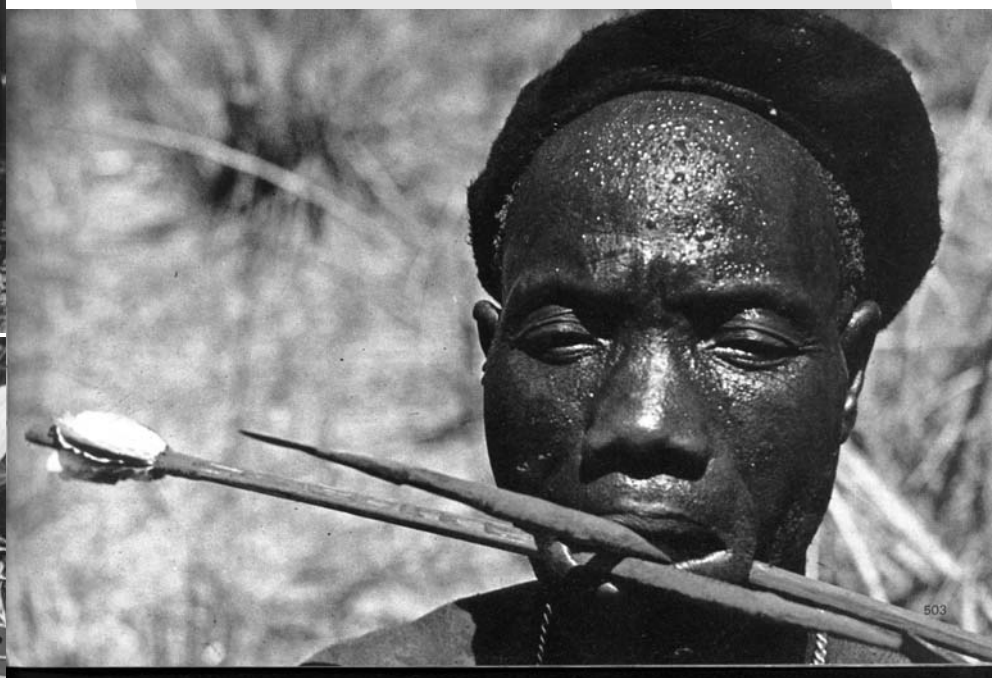
بسیاری از دانشگاهیان حتی در اعتبار روایی و صحت ابزاری دوربین برای ثبت هم دچار تردید جدی بودند و ترجیح می‌دادند که همکاران خود را تشویق کنند که فقط از ابزارها و روش‌های سنتی گردآوری داده‌ها یعنی دفترچه‌ی یادداشت، ترسیم نقشه و کروکی و طراحی استفاده کنند.

در واقع، برخی از قطعات مختلف فیلم که توسط فیلم‌برداران تهیه می‌شدند، نه تنها آغازگاه تاریخی هنر و صنعت سینما به شمار می‌آمدند بلکه پشتوانه‌ای برای آن چیزی بودند که بعدها فیلم اتنوگرافیک نامیده شد. زمانی که برادران لومیر، دستگاه سینماتوگرافی خود را در برابر موضوعات مختلف یا مکان‌های گوناگون قرار دادند و فیلم‌هایی مانند خروج کارگران از کارخانه، ورود قطار به ایستگاه، غذا دادن به بچه و... را ساختند، قابلیت‌های دوربین سینما را برای ثبت دقیق مشاهدات، بدون هرگونه پیش داوری، نشان دادند. دوربین به عنوان یک ابزار یا دستگاه مکانیکی برای ضبط و ثبت یک رویداد می‌توانست عمل کند و چنانکه فیلم‌ساز فاصله‌ی لازم را حفظ کند و جانبداری نداشته باشد، قادر است

تصویری عینی از موضوع تهیه کند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان‌شناسی به عنوان یک علم که آن را در میان سایر رشته‌های دانشگاهی متمایز می‌سازد؛ انعطاف‌پذیر بودن روش‌شناسی (cognitive method) آن است. زیرا، روش‌شناسی

تاریخ سینما نشان می‌دهد که از همان ابتدا، توانایی این هنر و صنعت برای سرگرم کردن مردم و پر کردن اوقات فراغت آنها کشف شده بود و شاید بتوان گرایش یافتن سینما به سمت تولید فیلم‌های داستانی را اجتناب‌ناپذیر دانست، اما این بدان معنا نباید محسوب شود که فیلم‌های مستند محکوم به زوال هستند



انعطافی، محور اساسی پژوهش در انسان‌شناسی است و موجب می‌شود که در تحقیقات میدانی، میان پژوهشگر و موضوع پژوهش، رابطه‌ی نزدیکی شکل بگیرد.

انسان‌شناسان همواره می‌کوشند که روش‌های پیشین خود را در بوته‌ی نقد و آزمون قرار دهند، از این رو، آنها از یکسو مایل‌اند که هر چه بیشتر به موضوع نزدیک شوند و از سوی دیگر تلاش می‌کنند این نزدیکی موجب برهم خوردن مشاهده‌ی دقیق یا خارج شدن موضوع از روال طبیعی و معمول خودش، نشود. به همین خاطر است که استفاده از ابزارهای سمعی - بصری در قالب انواع دوربین‌های فیلم‌برداری و صدا برداری، به آنها امکان مشاهده‌ی دقیق را می‌دهد. استفاده از لنزهای مناسب نیز آنها را قادر می‌سازد که بدون نزدیک شدن زیاد به موضوع، تصاویر درشت تهیه کنند. این امکانات به این منظور به کار می‌رود که موضوع مورد پژوهش از وضعیت معمول و روزمره‌ی خودش خارج نشود.

تاریخ سینما نشان می‌دهد که از همان ابتدا، توانایی این هنر و صنعت

برای سرگرم کردن مردم و پُر کردن اوقات فراغت آنها کشف شده بود و شاید بتوان گرایش یافتن سینما به سمت تولید فیلم‌های داستانی را اجتناب‌ناپذیر دانست، اما این بدان معنا نباید محسوب شود که فیلم‌های مستند محکوم به زوال هستند.

فیلمبرداری مجدد بکند. در این حالت، کشیش دیگر نه یک موضوع مورد فیلمبرداری بلکه تماشاگر هم خواهد بود و او می‌تواند با مشاهده‌ی فیلم نسکی که انجام داده است، عمل خودش را تشریح و تفسیر کند و عقیده‌ی خودش را هم بیان کند. به این ترتیب، اطلاعات تازه‌تری برای پژوهشگر حاصل می‌شود. از آن گذشته، نمایش

دادن فیلم، تأثیر انگیزشی زیادی بر تماشاگر که موضوع مورد تحقیق هم هست بر جای می‌گذارد و باعث می‌شود اظهار نظرهای واکنش‌های جالبی انجام دهد. از سوی دیگر، نمایش فیلم با سرعت آهسته موجب می‌شود که پژوهشگر با دقت بیشتری به آنچه فیلم‌برداری شده است بنگرد.

به این ترتیب، واقعیت‌گریزنده در قالب‌های فیلم متوقف می‌شود و کاملاً در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد و پژوهشگری که قصد دارد از یک نسک فیلم‌برداری کند، ناگزیر است که از قبل پیش‌بینی‌های لازم را برای بهتر انجام گرفتن فیلم‌برداری به عمل آورد، چنین کاری مستلزم شناسایی کامل نسک



## ساختن فیلم اتنوگرافیک برای پژوهشگر حوزه‌ی انسان‌شناسی، نه تنها روشی مناسب برای پژوهش است بلکه تمرین بی‌نظیری برای مشاهده کردن و دقت در امور است

است. بنابراین، او چاره‌ای ندارد که به طور کامل موضوع مورد فیلم‌برداری را بشناسد، و این کار، موجب دقت شدن مشاهده‌ی او از موضوع می‌شود. بنابراین فیلم اتنوگرافیک تیزبینی او را تقویت می‌کند.

از سوی دیگر، فیلمبرداری موجب یکپارچگی در ارائه تصویر می‌شود، زیرا در اغلب مناسک حرکات و اعمال اضافی زیادی وجود دارد که احتمالاً اهمیت چندانی در روند پژوهش ندارد و پژوهشگر می‌تواند به هنگام فیلمبرداری یا در مرحله‌ی تدوین فیلم، بسیاری از زوائد را حذف کند و حتی تأکید بیشتری روی اعمال جزئی که به ظاهر کم اهمیت هستند، انجام دهد.

از این رو، ساختن فیلم اتنوگرافیک برای پژوهشگر حوزه‌ی انسان‌شناسی، نه تنها روشی مناسب برای پژوهش است بلکه تمرین بی‌نظیری برای مشاهده کردن و دقت در امور است.



استفاده از دوربین فیلم‌برداری توسعه‌ی پژوهش را موجب شد. برای مثال، اگر پژوهشگری بخواهد از یک کشیش در حال انجام یک نسک تحقیق کند، نمی‌تواند کار مقدس کشیش را قطع کند اما در صورتی که پژوهشگر از کشیش فیلم‌برداری کرده باشد، می‌تواند بعداً فیلم را نشان او بدهد و حتی از واکنش‌های کشیش در حالی که تصویر خودش را می‌بیند،